



است و به نسبت بقیه به مسائل خود اشراف دارد و از این رو به دنبال راهکار تخصصی به روانشناس مراجعه می‌کند. او زنی است که هنجارهای شکرده و با همه عدم همکاری همسرش «ققی معمولی»، روان درمانی خود را ادامه می‌دهد و به او هم یادآور می‌شود. همچنین اگر سازندگان در سکانس اول این سریال، به برخی ریزه کاری‌های رفتاری توجه می‌کردند، می‌توانستند از یک سکانس غالباً مخرب آن را به یک سکانس آموزنده تبدیل کنند. وی در پاسخ به این سوال خبرنگار صبا که چرا سازمان روانشناسی پیش از این اقداماتی در خصوص آگاهی‌سازی جامعه و حتی اقدام برای سفارش ساخت برنامه نکرده است، عنوان کرد: سازمان روانشناسی هر از چندگاهی لیستی از روانشناس‌های زرد، بدون مدرک و متخلف را ارائه می‌کند ولی این اقدامات ضعیف است و خیلی از افراد جامعه نسبت به آنها بی‌اطلاع هستند. نظارتی که این سازمان نسبت به روانشناسان دارد در قیاس با نظارت بر روی پزشکان و تخلفات آنان مثل روان پزشکان، قابل توجه نیست. این سازمان با برگزاری یک امتحان بسیار سطحی و مصاحبه ابتدایی و پایه، در طول یک ماه به ۱۲ هزار روانشناس مجوز می‌دهد و در نتیجه مراجعه کنندگان به بسیاری از این روانشناسان نه تنها نتیجه‌ای نمی‌گیرند، بلکه حتی اصول اولیه و موارد حرفه‌ای توسط چنین روانشناسانی نادیده گرفته می‌شود و کل جامعه روانشناسان زیر سوال می‌رود. به طور کل، سازمان روانشناسی قدری دور افتاده شده و نسبت به مسائل روز قدری تأخیر دارد که البته با ورود ریاست جدید، این روند تا حدودی بهبود یافته است.

او در ادامه تأکید کرد: با توجه به کش و قوس‌هایی که سازمان روانشناسان به عنوان بخش خصوصی با وزارت بهداشت و درمان دارد و به دلیل برخی منافع زیر نظر این وزارت گرفته است، در نتیجه پوشش بیمه تأمین اجتماعی ندارد. ضمن اینکه خدمات تشخیص و تجویز دارو توسط روان پزشک‌ها تحت پوشش بیمه دولتی هستند، اما خدمات روان درمانی و روانکاو توسط روانپزشک تحت پوشش بیمه دولتی نبوده و بسیار گران‌تر از روان درمانی توسط روانشناس است. لازم به یادآوری است که روان پزشک فردی است که ۷ سال پزشکی عمومی خوانده و تخصص خود را در شاخه اعصاب و روان اخذ کرده است. کار او تجویز دارو است ولی روانشناس اجازه تجویز دارو ندارد. روانپزشک می‌تواند دوره‌های روان درمانی را نیز بگذراند و این کار را هم انجام دهد اما روانشناس حتی اگر مدرک دکترای هم اخذ کند، اجازه تجویز دارو ندارد. در هر حال با توجه به عدم نظارت سازمان روانشناسان و عدم الزام برخی محدودیت‌ها موجب ساخت آثاری در سینما و تلویزیون می‌شود که باز خوردهایی نامطلوب برای این سازمان و عواقب جبران ناپذیر در اجتماع را به همراه دارد.

و کیلی در خصوص اینکه چرا سازمان روانشناسی و مشاوره، به مدارس و دانشگاه‌ها ورود نمی‌کند، ابراز داشت: برخی مدارس غیرانتفاعی در مدارس مشاور دارند ولی اینکه آموزش‌های مدونی وجود داشته باشد که آن را وارد برنامه ریزی‌های تدریس در مدارس کنند، چیزی پیش بینی نشده است. در همین راستا به برخی افراد روحانی امتیاز تحصیل در حوزه روانشناسی داده شد و آنها به مدارس و دانشگاه‌ها اعزام شدند، که ناکارآمد بود و نتیجه مثبتی در پی نداشت. چرا که این افراد در مدارس و دانشگاه‌ها بیشتر مشاوره‌های مذهبی ارائه می‌کردند و نه روانشناسی حرفه‌ای.

حضور روانشناس در سریال «پایتخت ۷» نیز، احتمالاً کنایه و اشاره به فردی است که سال‌ها در صدا و سیما از وی به عنوان روانشناس استفاده شده و عنوان دکتر را با خود یدک می‌کشد. او تا کنون سمینارهایی در کشور بر گزار و بعد از اشتباهاتی که در کلام و بیان علمی مرتکب شد، اعلام کرد که نه تحصیلات آکادمیک روانشناسی دارد و نه مدرک دکتر گرفته است!



آموزش‌های مستقیم مبنی بر عدم پنهان کردن بیماری مطرح شد و از شیوع این بیماری در بین مردم تا حد قابل توجهی پیشگیری شد. اما در رابطه با مسائل مختلف روان، همچنان مراجعه به روانپزشک، بستری شدن در بیمارستان، گرفتن دارو یا حتی طرح مشکلات زناشویی در حضور روانشناس، داغ ننگی است که هنوز در جامعه جا نیفتاده است.

به تصویر کشیدن واقعیت‌های مرتبط با روان درمانی مثل بیمارستانهای روان درمانی که بسیار عجیب نشان داده می‌شوند. در سریال‌هایی مثل «شهرزاد»، «زخم کاری» و امثال آن تصاویر غیر واقعی و ترسناک و غیر حرفه‌ای از بیمارستان‌ها و آسایشگاه‌ها ارائه شده است. حتی در برهه‌ای اعتراضات مردمی به مسائل معیشتی و اقتصادی - با توجه به مستندات موجود در رسانه‌های دیداری، شنیداری، نوشتاری و خبری - از ارجاع این افراد به روانپزشک به عنوان یک تهدید و ابزار تنبیهی استفاده می‌شد.

این روانکاو با اشاره به نکات مثبت سریال، خاطر نشان کرد: بالطبع نمی‌توان بحث روانشناسی را در کل سریال منفی انگاشت اما از آنجا که مقوله طنز بسیار موثر و فراگیر است و در مقایسه پیچ‌های اینستاگرامی از سال ۱۴۰۰ تاکنون، می‌توان بالاترین نرخ رشد را در صفحات طنز، فان و پس از آن، آموزشی مشاهده کرد؛ در نتیجه لازم است که سریال‌های طنز با دقت بیشتر و با نگاه تخصصی‌تر ساخته شود تا اگر قرار است اثر مثبتی داشته باشد، آثار سوء نیز کمتر شوند. اگر مروری به نظرات کاربران داشته باشیم، ملاحظه می‌کنیم که در اغلب آنها عنوان شده که مثلاً تمام روانشناسان اینگونه‌اند، من هم به روانشناس اعتقادی ندارم، روانشناس فقط پول می‌گیرد، گوش می‌دهد و می‌خندد، بدون اینکه راهکار مناسبی ارائه دهد و مانند آن که گویی مهر تأییدی به چنین باورهایی در سریال است. اما از بعد دیگر، سریال بخش‌های مثبتی هم دارد، مثل شخصیت «هما» که زن آگاهی

برای این که با دیدگاه این روانشناس بیشتر آشنا شویم و این که اصولاً به طنز ماجرا خرده‌ای دارند و یا از نگاه وی نکات علمی‌ای در این سریال مغفول مانده، در این گزارش به سراغ این روانشناس و مدرس دانشگاه رفته ایم. این روانشناس و درمانگر، که از مخاطبان و دنبال کنندگان سریال‌های تلویزیونی و نمایش‌های خانگی است، در این باره توضیح داد: با توجه به اینکه طیف گسترده‌ای از افرادی که به من مراجعه می‌کنند، از بینندگان سریال‌ها هستند؛ بالطبع من نیز سعی می‌کنم سریال‌های داخلی و اخبار را دنبال کنم تا بتوانم دیدگاه‌ها و نقطه نظر مراجعه کنندگان را بهتر متوجه شوم. در این بین به ویژه سریال‌هایی که ترند و پر مخاطب هستند - چه در صدا و سیما و چه در پلتفرم‌ها - را حتماً دنبال می‌کنم تا از فرهنگ مردم و جامعه دور نیفتم که سریال «پایتخت ۷» از جمله این مجموعه‌ها است. پیش از این نیز سریال‌های طنز از جمله «لیسانسه‌ها»، «ساختمان پزشکان» و مانند آن را دنبال می‌کردم؛ چون چنین سریال‌هایی که با زبان طنز داستان خود را مطرح می‌کنند در حوزه سلامت روان، تأثیر به سزایی بر روی مخاطبانشان می‌گذارند و من به واسطه آنها، نقطه نظر بینندگان و واکنش اقبال مختلف را دریافت کرده و به تأثیر کلی این قبیل برنامه‌ها در سطح جامعه پی می‌برم. او در رابطه با نگاه خود به مجموعه «پایتخت» افزود: طنزی که در سری هفتم «پایتخت» وجود دارد، گاه اغراق شده، کودکانه و قابل پیش بینی است. در این نوع طنز از زبان بدنی استفاده شده که بیشتر جنبه تمسخر آمیز دارد؛ هر چند در این مجموعه، به خیلی از مسائل به شکل واقع بینانه پرداخته شده است و به طور کلی از تکه کلام‌ها و مطالبی که در فضای مجازی به خصوص در اینستاگرام و ایرال و همه گیر شده، زیاد استفاده و بسیاری از اتفاقات فضای مجازی را وارد طنز خود کرده است تا به این وسیله همذات پنداری بیشتر مخاطبان را تقویت کند. حضور روانشناس در سریال «پایتخت ۷» نیز، احتمالاً کنایه و اشاره به فردی است که سال‌ها در صدا و سیما از وی به عنوان روانشناس استفاده شده و عنوان دکتر را با خود یدک می‌کشد. او تا کنون سمینارهایی در کشور بر گزار و بعد از اشتباهاتی که در کلام و بیان علمی مرتکب شد، اعلام کرد که نه تحصیلات آکادمیک روانشناسی دارد و نه مدرک دکتر گرفته است!

این بانوی روانشناس گفت: در سریال اشاره به این موضوع و کنایه به آن، می‌بایست با دقت بیشتری صورت می‌گرفت و به نوعی سریال می‌توانست انگ زدایی کند، ولی مجموعه «پایتخت ۷» به جای آگاهی‌سازی ناشی از انتقاد، تبدیل به تقویت کننده یکسری کلیشه‌ها شده است. جملاتی مانند: شوهر من به روانشناس اصلاً اعتقادی ندارد یا مردها به روانشناس معتقد نیستند! یا خنده‌های نا به جای روانشناس به صحبت‌های مراجعه کننده‌اش موجب می‌شود که مردم نسبت به خدمات سلامت روان، روانشناس و حتی روان پزشک بی‌اعتماد شوند و این مناسب یک سریال پر مخاطب در رسانه ملی نیست. البته پیشتر هم در سریال‌هایی مثل ساختمان پزشکان نیز چنین مسائلی مطرح بود اما همان سریال حداقل آگاهی‌سازی‌هایی نیز در کنار آن داشت؛ مثل محدود بودن زمان بندی یک مشاور روانشناسی و اینکه بعد از اتمام جلسه روانشناسی، توقع ادامه پرسه در زمان در خارج از آن زمان بندی نباید وجود داشته باشد. بکار بستن چنین جزئیاتی به ویژه با زبان طنز و شوخی می‌تواند تأثیر دو چندان را در مقابل آموزش‌های مستقیم داشته باشد، در نتیجه طنز از جمله ابزار قدرتمند در حوزه آموزش است ولی اغلب سریال‌ها از جمله «پایتخت ۷» به جای کنایه زدن به روان شناس‌نماها، موجب تقویت چنین کلیشه‌هایی می‌شوند.

وی مراجعه به روانشناس را در جامعه، پذیرفته ندانسته و ابراز کرد: در حال حاضر در کشور ما اختلالات و مشکلات روان، انگ زدایی نشده‌اند به این معنا که مراجعه افراد به روانشناس مانند داغ ننگ یا استیگما بر روی افراد است و هنوز افراد این مسئله را به دلیل عدم آگاهی جامعه، پنهان می‌کنند. برای مثال می‌توان به شیوع ویروس HIV و هیپاتیت در دهه ۸۰ اشاره کرد که وزارت بهداشت و درمان با آگاهی‌سازی از طریق رسانه‌های جمعی، عرضه لوازم بهداشتی یکبار مصرف مثل سرنگ به بیماران که اعتیاد داشتند،